

تلاقی اسلام و مدنیت در خراسان بزرگ با حضور امام رضا علیه السلام

نویسنده مسئول: میلاد دهقانی. دانش‌آموخته دانشگاه فردوسی مشهد. کارشناسی ارشد. دانشگاه فردوسی مشهد. زاهدان، بیست متری قائم، بلوار قلنبر، میلان ۳، پ ۱۷ - ۰۹۳۵۳۵۲۶۲۳۴ - ۰۵۴۳۳۴۱۵۹۶۵ - milad.dehghani@mail.um.ac.ir

دکتر عباسعلی سلطانی. دانشیار دانشگاه فردوسی مشهد. دانشگاه فردوسی مشهد. ۰۹۱۵۳۱۳۷۰۷۷ - soltani@um.ac.ir

مرضیه فردوسی دولتشانلو. دانشجوی دانشگاه فردوسی مشهد. کارشناسی ارشد. دانشگاه فردوسی مشهد. زاهدان، بیست متری قائم، بلوار قلنبر، میلان ۳، پ ۱۷ - ۰۹۱۹۰۰۴۰۲۵۳ - ۰۵۴۳۳۴۱۵۹۶۵ - m.ferdowsi@mail.um.ac.ir

چکیده:

مهمترین ویژگی دوران امامت امام رضا (ع) حضور ایشان در مهد فرهنگ و تمدن سرزمین خراسان بزرگ بود. امام رضا با عنایت به این رویکرد که آموزه‌های اسلام دارای بنیان و اصول تمدنی است، موجب شد تا با جهت معنوی والهی دادن به فرهنگ و تمدن خراسان بزرگ، این تمدن از یک پشتوانه‌ی ارزشی برخوردار باشد و هم تمدن اسلام تکامل و تداوم پیدا کند.

توسعه قلمرو خلافت اسلامی در دوران مأمون تا خراسان بزرگ و کنار رود جیحون از آن جهت که نمود گسترش اسلام بود، جالب و مسرت بخش می‌نمود اما جهت نگرانی آن، مواجهه با فرهنگ و تمدنی پُر دامنه و ادیان مختلف و اندیشمندی بود که جنبه تمدنی و فرهنگی و علمی اسلام را به چالش می‌کشیدند. مأمون که خود بهره‌ای از علم برده بود با درک به موقع این چالش و پس از استیصال و درماندگی خود و اطرافیان، با مشورت متوسل به عالم آل محمد (ص) امام رضا شد و لذا بر آمدن ایشان به دربار خلافت اصرار ورزید. امام هم از این فرصت حسن استفاده کرده و در مدت اقامت کوتاهی که در خراسان داشت گفتمان‌های جالب و مفیدی با گروه‌های مختلف داشتند. آنچه در این مناظره‌ها جالب است تسلط امام رضا بر نصوص و منابع موجود ادیان و مذاهب است. موضع‌گیری و فعالیت حضرت در حوزه‌ی فرهنگ و تمدن، توانست راه رشد و شکوفایی دستاوردهای این تمدن را با صبغه‌ی اسلامی، هموار و تسریع کند.

باز خورد و برکات علمی حضور بابرکت حضرت در سرزمین خراسان بزرگ را می‌توان در تألیف و تدوین مهم‌ترین منابع حدیثی و علمی اسلام یعنی صحیح بخاری و نسائی و ترمذی از صحاح سته اهل سنت و دو کتاب شیخ طوسی از کتب اربعه شیعه دانست.

کلیدواژگان: امام رضا(ع). خراسان بزرگ. برکات حضور. گفتمان تمدنی.

یکی از نقاط عطف تاریخ ایران در جریان تبدیل شدن ایران به یک کشور شیعی بزرگ حضور امام رضا (ع) در خراسان است. حضور امام رضا (ع) در خراسان به عنوان یکی از مهم‌ترین رخدادهای تاریخ علویان و از جمله عوامل رشد و گسترش تشیع در ایران بوده است. ضرورت‌های دعوت امام (ع) و نیز مقوله واگذاری ولی‌عهدی به ایشان یکی از وقایع بدیع تاریخ خلافت عباسی و همچنین نقطه عطفی در تاریخ تشیع به حساب می‌آید، اگرچه که هجرت امام رضا (ع) به مرو چیزی جز اصرار و زور مأمون برای رسیدن به اهداف شیطانی‌اش نبود. نکته‌های مهم و قابل توجه در برکات حضور امام (ع) در خراسان بیش از هر چیز به عملکرد ایشان برمی‌گشت. سیره و برخوردهای امام در ایام حضور در مرو نظرها را بسیار متوجه امام رضا (ع) نمود و این بیش از هر چیز بر ناخرسندی مأمون و درباریان‌ش می‌افزود. بهره‌گیری امام از تمامی فرصت‌های مطلوب برای اشاعه دین و گسترش اندیشه‌های تشیع در تمامی ایام حضور در مرو، نمود عینی داشت. مناظرات و مباحثه‌های علمی، فرصت مغتنمی بود تا برای اولین بار در طول ششصد سال حاکمیت خلافت اموی و عباسی در چنین زمانی شرایط برای ابراز عقیده و دفاع از اندیشه‌ها توسط مدعیان و رهبران هر مکتبی فراهم آید. تربیون عظیم خلافت در اختیار امام رضا (ع) قرار گرفت تا به دفاع از دین مبین اسلام و اندیشه‌های فقهی شیعه در مقابل فرق دیگر بپردازند. فضای آزاداندیشی آن عصر سبب می‌گردید تا استدلال‌های علمی و منطقی امام بهترین فرصت برای تبیین و تبلیغ فقه شیعه در فضای خاص جامعه آن روز به شمار آید. نقش امام در تولید علم و تحول فرهنگی و مدنیت خراسان با شیوه مناظرات و دفاع از اندیشه‌های کلامی تشیع، جایگاه رفیع امامت و حقانیت خاندان اهل بیت و علویان را به خوبی ترسیم نمود. با توجه به هجرت امام رضا (ع) به خراسان بزرگ و پیامدهای حضور امام (ع) در آن شهر، می‌توان این هجرت را هدفمند و آگاهانه قلمداد نمود. همچنین مرقد ایشان به پایگاهی برای فرهنگ، تمدن و حضور گسترده‌ترین تبدیل شد و هجرت تاریخی امام رضا (ع) ولو با سیاست‌های شیطانی مأمون مبدأ فرهنگ و تمدن در خراسان بزرگ شد. هدف از این مقاله بررسی بازخورد و برکات حضور امام رضا (ع) در خراسان بزرگ است. اینکه حضور امام رضا (ع) در خراسان چه برکات و آثاری در پی داشته است؟ حضور امام رضا (ع) در خراسان چگونه باعث ترقی و پیشرفت اسلام شد؟

در این مقاله ابتدا نگاهی گذرا به تعریف لغوی و اصطلاحی واژه تمدن و ویژگی‌ها و عوامل تمدن می‌شود سپس توضیح مختصری از مؤلفه و شاخص‌های تمدن در زمان حضور امام رضا (ع) و وضعیت تمدن در آن زمان داده می‌شود و در نهایت به بررسی نقش حضرت رضا در تکامل در توسعه آن متغیرها و برکات حضور امام در خراسان بزرگ پرداخته می‌شود. به این صورت که حضور امام رضا (ع) در خراسان باعث تلاقی اسلام و مدنیت و در نهایت پیشرفت زندگی بشری همراه با ارزش‌های والایی شده است که نمی‌توان آن را نادیده گرفت.

مبانی نظری و پیشینه تحقیق

کتاب‌ها، مقالات و پایان‌نامه‌های زیادی درباره حضرت علی بن موسی الرضا (ع)، زندگی نامه ایشان و سفر امام از مدینه به مرو و پیامدهای حضور ایشان در ایران وجود دارد. از جمله این کتاب‌ها، مقالات و پایان‌نامه‌ها می‌توان به کتاب امام علی بن موسی الرضا منادی توحید و امامت نوشته محمد جواد معینی، تحلیلی از زندگی نامه امام رضا نوشته محمد جواد فضل‌الله، عوامل سیاسی حضور امام رضا در خراسان، جغرافیای تاریخی هجرت امام رضا از مدینه تا مرو و پایان‌نامه مواضع امام رضا نسبت به وضعیت فرهنگی و تمدنی در دوره اول عباسی اشاره کرد؛ اما این موضوع خاص که «تلاقی اسلام و مدنیت در خراسان بزرگ با حضور امام رضا علیه السلام» می‌باشد تا به حال به صورت خاص و جزئی مورد بررسی قرار نگرفته است و پیشینه‌ای در این موضوع خاص در هیچ جایی یافت نشده و این موضوع حاصل پژوهش و دستاورد خود نویسندگان این مقاله است. موضوع «تلاقی اسلام و مدنیت در خراسان بزرگ با حضور امام رضا علیه السلام» به‌خاطر اهمیت ویژه‌ای که در اعتقادات و تفکر شیعی دارد و موجب رشد و گسترش اسلام و جاودانه کردن آن است، شایسته است که به صورت دقیق‌تر به آن پرداخته و موشکافی شود. امیدواریم که این مقاله مفید و ضروری واقع شود و مورد استفاده تمامی علاقه‌مندان به پژوهش قرار گیرد.

روش شناسی

روش تحقیق در این مقاله توصیفی-تحلیلی است. به این صورت که ابتدا مطالعات مقدماتی درباره این موضوع صورت گرفته است. سپس منابع از میان کتاب‌های فقهی، حدیثی و تاریخی شیعه، کتابخانه دیجیتال تبیان و همچنین از کتاب‌های منتشر شده توسط آستان قدس رضوی جمع‌آوری گردیده و با توجه به موضوع تحقیق، مطالب موردنظر و مرتبط با بحث، استخراج و فیش‌برداری شده است و در نهایت این مطالب مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفته و نگاشته شده است.

تعریف تمدن

تمدن مصدر عربی از باب تفاعل و اسم مصدر فارسی است. تمدن در لغت به معنای شهرنشین شدن، خوی شهری برگزیدن و با اخلاق مردم شهر آشنا شدن، همکاری مردم با یکدیگر در امور زندگانی و فراهم ساختن اسباب ترقی و آسایش خود است. (عمید، ۱۳۷۶، ج ۱: ۶۱۵) ابن منظور می‌گوید: «حاضر اقامت در شهر و روستا است، حضارت اقامت در حضر است و حاضره و حاضر، کوی یا قوم بزرگ است.» (ابن منظور، ۱۴۱۴، ج ۴: ۱۹۷) واژه شناسان درباره معنای اصطلاحی تمدن یا مدنیت دیدگاه‌های گوناگونی دارند. ابن خلدون تمدن را موجود زنده‌ای می‌داند که متولد می‌شود، رشد می‌کند، تغذیه می‌کند و به دوره شکوفایی می‌رسد، کامل می‌گردد و پس از آن آهسته آهسته رو به کهولت و ضعف می‌رود و آن‌گاه می‌میرد. (قانع، ۱۳۷۱: ۲۵) ویل دورانت می‌گوید: «تمدن نظمی اجتماعی است که در نتیجه وجود آن، خلاقیت فرهنگی امکان‌پذیر می‌شود و جریان پیدا می‌کند. (دورانت، ۱۳۳۷، ج ۱: ۴) تمدن بالاترین سطح گروه‌بندی فرهنگی مردم و گسترده‌ترین هویت فرهنگی است که می‌توان انسان‌ها را با آن طبقه‌بندی کرد. (هانت‌ینگتون، ۱۳۷۵: ۳۸-۳۷) اگرچه درباره «تمدن» یا «مدنیت» تعاریف بسیاری ارائه شده اما باید متذکر شد که تمدن صورت مادی حیات انسان در عرصه خاک است. (شفیعی سروستانی، ۱۳۸۷: ۳۸) در واقع می‌توان گفت تمدن خلاصه تمام پیشرفت‌های انسانی در زمینه‌های مختلف است.

عوامل و ویژگی‌های تمدن

بشر از قدیم الایام تا به امروز آثار مختلفی به‌وجود آورده است. گاه تمدن‌های بزرگی خلق کرده که تا هزاران سال بر جای مانده است، تمدن‌هایی که در آن ویژگی‌هایی وجود دارد که باعث شکوه و عظمت آن‌ها شده است. ظهور تمدن هنگامی امکان‌پذیر

است که هرج و مرج و ناامنی وجود نداشته باشد چرا که در صورت نبود این‌ها تمدن به وجود می‌آید. هر تمدنی عوامل و ویژگی‌های خاص خود را دارد اما می‌توان چند ویژگی را برای همه تمدن‌ها برشمرد که عبارت‌اند از: ۱- همه تمدن‌ها دارای مقررات و قوانینی هستند که معمولاً به صورت مجموعه‌ای مکتوب است. ۲- همه تمدن‌ها دارای نوعی دولت هستند. ۳- همه تمدن‌ها خط و اقبایی برای ثبت و ضبط وقایع دارند. ۴- در همه تمدن‌ها اشکال و انواعی از هنر و فعالیت‌های هنری پیدا می‌شود. ۵- همه تمدن‌ها دارای نوعی معتقدات دینی با سلسله مراتبی از روحانیون و نهادهای دینی استقرار یافته هستند. ۶- همه تمدن‌ها علوم را تکامل می‌بخشند. (قهی کرمی، ۱۳۸۶: ۱۰۹-۹۰)

همچنین در همه تمدن‌ها چهار رکن و عنصر اساسی وجود دارد که عبارت‌اند از:

۱- پیش‌بینی و احتیاط در امور اقتصادی: شکار، کشاورزی، صناعات، سازمان اقتصادی

۲- سازمان سیاسی: تمدن، دولت، قانون، خانواده

۳- سنن اخلاقی: ازدواج، اخلاق جنسی، اخلاق اجتماعی، دین

۴- کوشش در راه معرفت و بسط هنر: ادبیات، علم، هنر (جعفرآقایی، ۱۳۹۰: ۱۰۳)

ظهور تمدن و رشد و اضمحلال آن تحت تأثیر عوامل جغرافیایی، زمین‌شناختی، اقتصادی، نژادی و روانی قرار می‌گیرد. اهمیت عوامل اقتصادی در ظهور تمدن و رشد و انحطاط آن از سایر عوامل بیشتر است؛ چرا که ممکن است در ملتی، افراد باهوش، شجاع و نیرومند وجود داشته باشد اما نبود اقتصاد قوی و نداشتن خوراک و تغذیه مناسب سبب شود که آن‌ها وقت خود را به شکار و صید بگذرانند؛ در نتیجه تمامی این قدرت و هوش و شجاعت به‌جای اینکه صرف تمدن و مدنیت شود، صرف شکار و صید می‌گردد. پس هنگامی که اقتصاد ملتی ضعیف باشد آن ملت و حکومت هیچگاه روی تمدن را به خود نخواهد دید. اولین گام در تمدن، کشاورزی است و فقط در شرایط مساعد است که چنین چیزی محقق می‌شود. در حقیقت وقتی فرهنگ عمومی به حد معینی برسد، فکر کشاورزی تولید می‌شود و اسباب‌هایی اختراع می‌کند که نیروی تولید او را بیشتر کند. همچنین در مناطقی که از لحاظ زمین‌شناختی، جغرافیایی، نژادی و روانی شرایط خوبی ندارند، هنر و هوش بشری میدان فعالیت پیدا نمی‌کند. پس فقدان این عوامل ممکن است سبب انقراض تمدن شود؛ چرا که انقلاب زمین‌شناختی شدید، تغییر عظیم وضع آب و هوا، بیماری همه‌گیری، نقصان مواد طبیعی از قبیل سوخت یا مواد خام، تغییر مسیر راه‌های بازرگانی به‌گونه‌ای که کشوری را در بیرون راه‌های تجارتهای جهانی قرار دهد، انحطاط عقلی یا اخلاقی که در نتیجه زیستن در شهرهای پر از لهو لعب است، ضعیف شدن نژاد و تمرکز مرگ‌آور ثروت‌ها که نتیجه آن جنگ طبقات و انقلابات خانمان‌سوز مایملک عمومی است، از عواملی هستند که ممکن است سبب فناى تمدن شوند. (دورانت، ۱۳۳۷، ج ۱: ۸-۷)

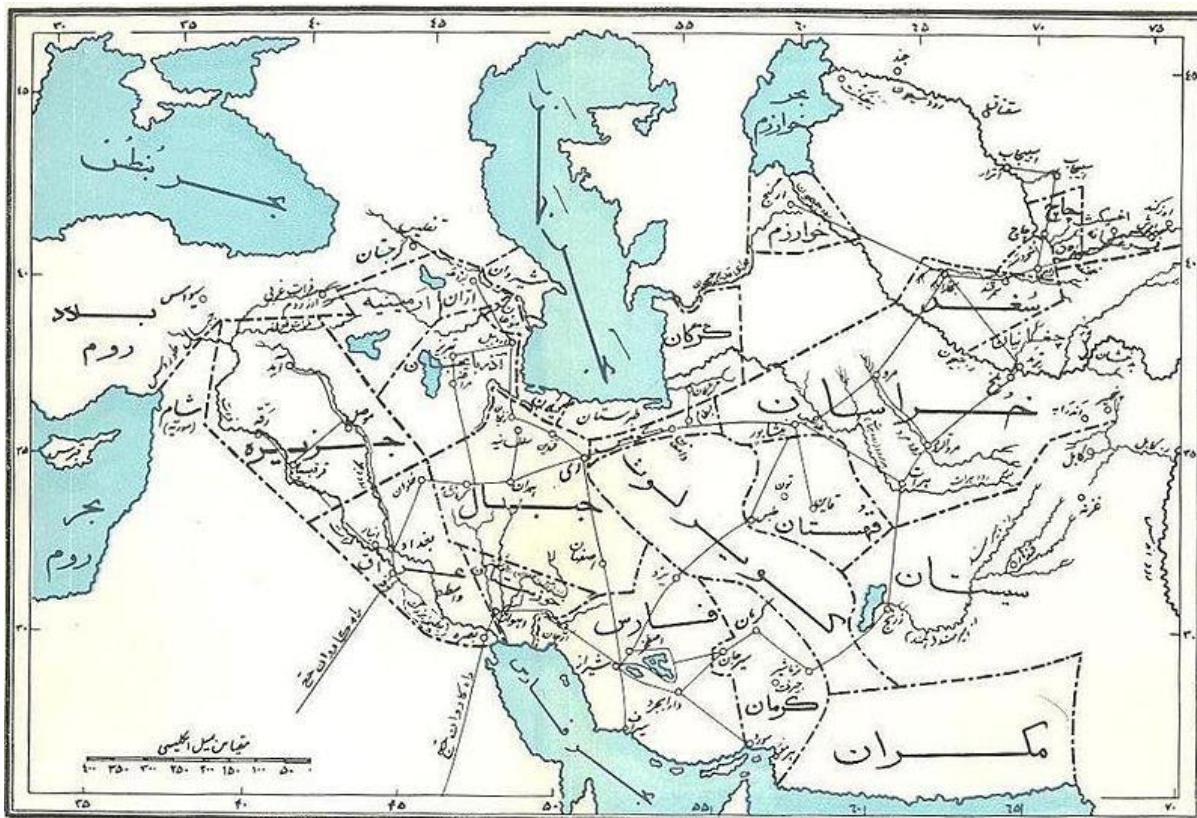
تمدن خراسان بزرگ در آن زمان

خراسان بزرگ از گذشته تا به امروز شاهد ظهور و افول دولت‌های بی‌شماری بوده و فراز و نشیب‌های زیادی به خود دیده است اما در برابر این حوادث، قوی و محکم بر پای ایستاده و تمدن عظیم و باشکوهی ساخته که آوازه آن به گوش تمام مردم جهان رسیده و بر زبان‌ها جاری است. جغرافی‌دانان باستان، ایران را به هشت بخش تقسیم کرده‌اند که خراسان بزرگ، شکوفاترین و بزرگ‌ترین قلمرو بوده است. (ویکی‌پدیا، ۱۳۹۷) خراسان بزرگ یکی از مراکز تمدن بشری در آن زمان بوده که در پیدایش و پیشرفت دانش و فرهنگ و عناصر تمدنی نقش بسزایی داشته است و از لحاظ تاریخی و فرهنگی بسیار گسترده‌تر از خراسان ایران معاصر است، به‌گونه‌ای که قلمرو خراسان بزرگ در آن زمان شامل استان‌های خراسان ایران، بخشی از افغانستان، تاجیکستان،

ازبکستان، ترکمنستان و قرقیزستان بوده است. خراسان سرزمین پهناور و همواری بود که به خاطر موقعیت جغرافیایی ویژه‌ای که داشت از قدیم‌الایام مورد توجه بشر و بستر فعالیت‌های او بوده است. همچنین به خاطر مسائل سیاسی، اقتصادی و مذهبی از اهمیت زیادی برخوردار بود، بالأخص شهرهای نیشابور، مرو، هرات و بلخ که از اهمیت خاصی برخوردار بودند. جاده‌های تجاری مهمی در آن بود که تاجران و بازرگانان به راحتی می‌توانستند از آن مسیرها عبور کنند. طولانی‌ترین و معروف‌ترین راه ارتباطی (جاده ابریشم) در خراسان بود که شرق و غرب را به هم متصل کرده بود. مرو مهم‌ترین شهر خراسان و مرکز خلافت عباسی بود که به واسطه نزدیکی به خوارزم و ماوراءالنهر از یک طرف و اتصال آن به سرخس و نیشابور از طرف دیگر از نظر نظامی و تجاری موقعیتی خاص داشته است. حضور امام رضا (ع) در مدت اقامتش در این شهر منجر به علاقه‌مندی بسیاری از مردم این شهر به آن حضرت و آشنایی آنان با تشیع شد. (ویکی شیعہ، ۱۳۹۷) مرو، شهر همواری بود که بسیار برای زراعت خوب بود و در آن دروازه‌ها، مساجد، کتابخانه‌های عظیم و رودهای زیادی وجود داشت. شهر مرو جدا از موقعیت سیاسی و اداری به لحاظ کشاورزی و تجاری نیز از اهمیت زیادی برخوردار بود. در مرو پرورش کرم ابریشم رونق زیادی داشت. همچنین رونق کشاورزی در این شهر سبب شده بود تا میوه‌ها و محصولات فراوان در این شهر حاصل شود. (اکبری، ۱۳۸۹: ۲۶ و ۲۷) یعقوبی می‌گوید: «سرخس سرزمین باشکوه و بزرگی است که در ریگزار قرار دارد.» (یاقوت حموی، بی‌تا، ج ۱: ۹۷) شرایط اقلیمی خراسان ایجاب می‌کرد که راه‌های شرقی و غربی از ناحیه سرخس بگذرد؛ زیرا مرکز خراسان شمالی را صحرای خشک فرا گرفته بود که بخش‌های آباد را در شرق و غرب آن از هم جدا می‌کرد. سرخس مدخل بخش غربی در حدفاصل بین مرو و نیشابور واقع بود. مرو هم از شمال شرقی سرخس برای مسافرینی که از شرق به غرب خراسان می‌رفتند، همین‌گونه جلوه می‌کرد. نیشابور شهری بزرگ و بسیار آباد و مساحتش یک فرسخ در یک فرسخ بود و دارای شهر، قهندز، حومه و مساجد بزرگ و دارالاماره بود. در نیشابور کاریز و قنات‌های زیادی وجود داشت که باعث رونق کشاورزی شده بود. (عرفان منش، ۱۳۸۲: ۱۲۵ و ۱۴۷) موقعیت خاص هرات به گونه‌ای بود که چهار دروازه آن به سوی شهرهای مهم خراسان برای عبور کاروان‌های تجاری قرار داشت. وجود این دروازه‌ها و رونق تجارت در آن سبب شده بود تا هرات به منزله قلب خراسان محل تقاطع راه‌ها و کاروان‌های تجاری به حساب آید. (اکبری، ۱۳۸۹: ۳۶) بلخ یکی از کهن‌ترین تمدن‌های خراسان است و سرزمین حاصل‌خیزی است که روستاها و باغ‌های سرسبز بسیاری در آن وجود داشت. شرایط اقلیمی نامساعدی داشت اما موقعیت جغرافیایی و نظام آبرسان مصنوعی کمبود آن را جبران می‌کرد. (رحمانی، ۱۳۹۱: ۱۶)

خراسان از لحاظ علمی و فرهنگی نیز در سطح بالایی بود ولی رونق علمی و فرهنگی نیشابور از سایر شهرهای خراسان بیشتر بود. کتابخانه عظیمی در آنجا دایر بود و شاعران زیادی به نیشابور سفر می‌کردند. بلخ سرزمینی بود که از لحاظ سیاسی، اقتصادی و فرهنگی و مذهبی از موقعیت و جایگاه بسیار بالایی برخوردار بود. در هرات نیز شعر و زبان دری رونق زیادی داشت و شاعران زیادی در آنجا زندگی می‌کردند و شعر می‌سرودند. در بلخ سکه ضرب می‌شد و از نظر اقتصادی بسیار مهم بود. خراسان بزرگ با شهرهای زیاد و آباد خود توانست تمدن باشکوهی ایجاد کند، تمدنی که از لحاظ سیاسی و اقتصادی و فرهنگی اهمیت بسیاری داشته و دارد.

در نقشه زیر، موقعیت خراسان در عصر امام رضا (ع) نمایش داده می‌شود.



مؤلفه‌ها و شاخص‌های تمدن در عصر حضرت رضا (ع) و وضعیت تمدن در آن زمان

عصر امام رضا (ع) همزمان با خلافت عباسیان بود. دوران کودکی امام (ع) مقارن با خلافت منصور عباسی بود. امام رضا (ع) به مدت ۲۰ سال پیشوایی و امامت امت اسلامی را به عهده داشت که این مدت را به سه دوره تقسیم کرده‌اند:

۱- مدت ۱۰ سال از امامت امام (ع) مقارن با خلافت هارون الرشید بود.

۲- ۵ سال بعد را در عصر امین به سر برد.

۳- ۵ سال آخر نیز مصادف با خلافت مأمون بود که مهم‌ترین دوره تاریخ حیات آن بزرگوار به شمار می‌رود. (اکبری، ۱۳۹۵: ۵۰)

تمدن عصر عباسی همانند هر تمدن دیگری دارای شاخص‌ها و ویژگی‌هایی است که آن را از سایر تمدن‌ها جدا می‌کند. این مؤلفه‌ها و شاخص‌ها عبارت‌اند از:

۱- وضعیت جغرافیایی: وسعت قلمرو خلافت عباسی در زمان خلافت هارون و پسرش مأمون به اوج خود رسید و با فتوحات خود توانستند مناطق بسیاری را به زیر سلطه خود ببرند. کشور آن‌ها تا سر حد «چین» اتصال پیدا کرد و در آفریقا هم بربرها در برابر حملات اعراب تا «حیسه» متواری شدند و از سمت مغرب دامنه حکومت عباسیان تا اقیانوس اطلس وسعت پیدا کرده بود. (سازندگی، ۱۳۹۴: ۳۷) مساحت مناطق دولت عباسی بیش از مساحت قاره اروپا بود. (زیدان، ۱۹۹۷، ج ۱: ۱۰۸) سرزمین عباسی دارای مناطق جغرافیایی و آب و هوایی مشخصی بود، بخشی از این کشور پهناور در مناطق سرد، بخشی در مناطق گرم و بخشی در مناطق معتدل یا استوایی گرم قرار داشت. از سوی دیگر قله‌های مرتفع کوه‌ها، بیابان‌های گسترده و حاصل‌خیز دره نیل و سرزمین بین‌النهرین و دشتهای

ساحلی آفریقا و آسیا در حوزه فرمانروایی حکومت عباسیان قرار داشت. همچنین طولانی‌ترین و پر آب‌ترین رودهای جهان را در خود داشت که کشتی‌ها در این رودها حرکت می‌کردند. (مکی، ۱۳۸۳: ۳۹)

۲- وضعیت ادیان و طبقات: در جامعه عباسی عناصری چون عرب، ایرانی، ترک، رومی، سیاهان و ... وجود داشت. ادیان و مذاهب مختلف نیز در آن دوران وجود داشت که این ادیان تشکیل‌دهنده قدرت‌های فشار و مناظرات اجتماعی بر محور ایمان و باورهای مذهبی بودند. در میان این ادیان، اسلام دین رسمی و محور اساسی حکومت عباسیان بود. جامعه عباسی از طبقاتی چون اشراف، آزادگان، موالی و بردگان تشکیل شده بود که هر کدام قوانین و مقررات خاص خود را داشتند.

۳- وضعیت اقتصادی، صنعت، ارتباطات و عمران و شهرسازی: در عصر عباسی، جمعیت زیادی در روستاها زندگی می‌کردند. روستانشینان برای تأمین مخارج زندگی خود به کشاورزی و آبادانی زمین پرداختند. بدین ترتیب کشاورزی در آن دوران رونق زیادی یافت. هرچند روستاها سبب رونق کشاورزی شدند اما درخشش تمدن عباسی در شهرها بود؛ چرا که اسلام دین شهری است؛ یعنی دین اسلام در شهر پیدا می‌شود و رشد می‌کند. همچنین شهرنشینی ارتباط تنگاتنگی با اقتصاد دارد. اقتصاد دولت عباسی بسیار قوی بود و به‌خاطر اینکه یک دولت اسلامی بود، اقتصاد آن نیز، اقتصاد اسلامی بود. دولت عباسی زمین‌های زراعی زیادی داشت، از ثروت‌های حیوانی (دامداری) و ثروت‌های زمینی (معادنی چون طلا و نقره) برخوردار بود که پشتوانه اقتصاد آن بودند. از لحاظ صنعت، تجارت و ارتباطات نیز در اوج و شکوفایی خود بود و به‌خاطر موقعیت جغرافیایی ویژه‌ای که داشت، بازرگانان زیادی از راه‌های زمینی و دریایی به آنجا می‌رفتند.

۴- وضعیت فرهنگ: فرهنگ به طور خلاصه یعنی کسب همه دانش‌ها، ادبیات و هنرها. منابع فرهنگ در عصر عباسی از اسلام، یونان، ایران و هند گرفته شده است. در این میان، اسلام مهم‌ترین منبع فرهنگ به‌شمار می‌رود اگر چه که فرهنگ یونانی، ایرانی و هندی نیز بر فرهنگ عباسی تأثیر به‌سزایی داشته‌اند. در عصر عباسی فرهنگ جایگاه ویژه‌ای داشت و از فضای مناسبی برخوردار بود. به این صورت که خلفای عباسی از علم و عالمان حمایت می‌کردند، آنان را گرامی می‌داشتند و جلسات و محافل علمی تشکیل می‌دادند و از عالمان درخواست می‌کردند که در این محافل شرکت کرده و مبادی دیگر مناظره علمی کنند. عکس العمل مردم نیز به فرهنگ مثبت بود و مردم نیز سعی می‌کردند که در این جلسات شرکت کنند و بهره ببرند. از جمله علوم اسلامی که در زمان عباسیان وجود داشت می‌توان به قرائت و تفسیر، فقه و حدیث، کلام و علوم زبانی اشاره کرد. دستاوردهای علمی در عصر عباسی محدود به علوم محض نیست و شامل همه دانش‌ها مانند تاریخ، جغرافیا، نجوم، ستاره‌شناسی، ریاضیات، کیمیا و گیاه‌شناسی، پزشکی و داروسازی می‌شود. همچنین علاوه بر نهضت علمی، نهضت فلسفی نیز رواج داشت و در عصر مأمون دانشمندان کتاب‌های فلسفی را ترجمه می‌کردند. در زمینه ادبیات و هنر نیز به دستاوردهای عظیمی نائل شدند و به نظم و نثر روی آوردند. چنانکه شاعران و کاتبان در مساجد و دربار حاکمات مجالس ادبی تشکیل می‌دادند و به قصه‌گویی و درس می‌پرداختند. آن‌ها همچنین در زمینه‌های معماری، تزیینات، خط، موسیقی و غنا و نقاشی نیز پیشرفت زیادی داشتند. (ر.ک: تاریخ التمدن الاسلامی، ۱۹۹۷)

تمدن عصر عباسی به تنهایی یک جهان است. این تمدن، جهانی از رفتارهای تکامل‌بخش و متقابل سرزمین، انسان، زمین و حوادث است که همدیگر را تکمیل می‌کنند. غنای منابع و سرچشمه‌های طبیعی، اقتصادی، سیاسی و فرهنگی تمدن عصر عباسی موجب تعدد پدیده‌های این تمدن در زمینه‌های مختلفی شده است، چون وضعیت سیاسی، نظام اداری، سطح معیشت، گونه‌های رفتار، الگوهای عمران، راه‌های ارتباطی شهرها و روستاها، شبکه راه‌های زمینی و دریایی که مناطق مختلف را به هم مرتبط می‌ساخت و سبب تسهیل بازرگانی و تجارت و تسریع تبادل و انتقال فرهنگ‌ها بود و به پایتخت امکان می‌داد تا بر مناطق دوردست

کشور پهناور عباسی سیطره و حاکمیت داشته باشد. با روی کار آمدن منصور عباسی، هارون و مأمون حرکتهای علمی و فرهنگی اسلام بیشتر شد. منصور عباسی به نجوم علاقه‌مند بود. او اولین خلیفه‌ای بود که سرآمدان نجوم را از ایران و هند دعوت کرد تا علم ستاره‌شناسی و جغرافیا در جهان اسلام گسترش پیدا کند. منصور با توجه به علاقه فراوانش به علم، از قیصر روم کتاب‌های قدیمی یونانی را درخواست کرد و این کتاب‌ها به زبان عربی ترجمه شد. در حقیقت اوضاع ادبی در این دوره از مهم‌ترین ادوار پختگی نظم و نثر عربی به‌شمار می‌رود. پیشرفت علوم ادبی در این دوره به‌خاطر توجه و عنایت مسلمانان به علوم قرآن و حدیث بوده است و این علوم سیر تحول و تکامل خود را پیمود، چنانکه در قرن پنجم و ششم هجری به اوج ترقی و تعالی خود رسید. مسلمانان با استناد به آیات قرآن ترغیب و تشویق شدند از علمی که در بلاد دیگر است آگاهی یابند و منابع علمی خود را قوی‌تر کنند. بدین سبب دست به ترجمه زدند و کتاب‌های یونانی را به زبان عربی ترجمه کردند. از اینجا بود که نهضت ترجمه آغاز شد. (کنگره جهانی حضرت رضا علیه‌السلام، ۱۳۶۶: ۲۵۱-۲۵۰) نهضت ترجمه پیامدهایی داشته است. از جمله پیامدهای نهضت ترجمه، توسعه تمدن اسلامی از طریق رویارویی با تمدن‌های قدیم ایرانی-یونانی-هندی-مصری، روی آوردن از ایمان ساده و تقلیدی به ایمان علمی، رشد و گسترش علوم مختلف از قبیل کلام، طب، فلسفه و نجوم، حضور فعال دانشمندان اهل کتاب در بغداد و توجه خلفا به آن‌ها که سبب ترجمه آثار تمدن‌های قدیمی شد، افزایش مدارس و مکتب‌خانه‌ها در کنار مساجد و تأسیس کتابخانه و بیت الحکمه و ایجاد رصدخانه و انتشار کتاب و نسخه‌برداری است. در عصر هارون الرشید نهضت عمران اوج گرفت، تمدن اسلامی به برتری رسید و علوم و ادبیات پیشرفت زیادی کرد. عصر هارون الرشید را بالاترین مرتبه شکوفایی سیاسی اسلامی و گسترده‌ترین پیشرفت‌ها در عمران، تمدن، ادبیات و علوم می‌دانند. (فروخ، ۱۳۷۶: ۳۶) در این زمان ترجمه و جمع‌آوری کتاب‌ها از سرزمین‌های دیگر و فعالیت‌های بیت الحکمه بسیار گسترش یافت و بغداد مرکز حضور دانشمندان و مناظرات آنان شد.

عصر مأمون درخشان‌ترین دوران علم و فرهنگ بود. مأمون در زمان خلافت خویش، علم و دانش را ترویج کرد و پایگاه دانشمندان را بالا برد و آن‌ها را به خود نزدیک ساخت و مجالس بحث و مناظره آزاد با آنان تشکیل داد و این به سبب شیفتگی و علاقه او به توسعه علوم و معارف بود. (فضل الله، ۱۳۸۵: ۹۶) مأمون خود در تشکیل محافل علمی و مناظرات دانشمندان با امام اصرار داشت ولی از فراخوانی امام به مناظرات سخت پشیمان شد و پیش‌بینی امام در مورد وی تحقق یافت. علت پشیمانی نیز روشن است. مأمون با اهدافی چون تحقیر امام و شخصیت علمی او، سرگرم ساختن جامعه به این‌گونه جلسات و تحت الشعاع قرار دادن امور سیاسی و... به این اقدام دست زد و چون خود را در رسیدن به آن اهداف ناکام یافت، سخت پشیمان شد تا جایی که برخی همین رخدادهای را زمینه ساز شهادت آن حضرت دانسته‌اند. (معینی، ۱۳۸۱: ۴۶) مأمون از گسترش تشیع و جنبش‌های علویان بیمناک شد، چرا که مهم‌ترین مشکل مأمون بعد از کشتن امین و قیام‌های مختلف، امام رضا (ع) و شیعیان او بود، به همین خاطر امام (ع) را با تهدید و اجبار از مدینه به مرو برد. مرو مشهورترین شهر خراسان است و نیشابور هم که یکی از شهرهای خراسان است، از اهمیت ویژه‌ای برخوردار است. (یاقوت حموی، بی‌تا، ج ۵: ۱۱۲ و ۱۱۳) مأمون امام را مجبور به پذیرش ولی‌عهدی کرد، امام (ع) نیز بر خلاف میل باطنی‌اش آن را پذیرفت. در آن شرایط، این اقدام از نظر مأمون سنجیده‌ترین طرحی بود که می‌توانست حکومت او را از خطر سقوط حفظ و منافعش را تأمین و باعث جلب رضایت افکار عمومی شیعیان شود؛ در حقیقت سفر امام از مدینه به مرو از لحاظ جغرافیای طبیعی، اجتماعی، سیاسی و مذهبی کاملاً حساب‌شده و زیرکانه بود. هرچند این سفر با توطئه مأمون بود اما امام با قبول ولی‌عهدی دست به حرکتی می‌زند که در تاریخ زندگی ائمه پس از پایان خلافت اهل بیت در سال چهلیم هجری تا آن روز و تا آخر دوران خلافت بی‌نظیر بوده است و آن برملا کردن داعیه امامت شیعی در سطح عظیم اسلام و دریدن پرده غلیظ تقیه و رساندن پیام تشیع به گوش همه مسلمانان است. (خامنه‌ای، ۱۳۹۱: ۳۱۵)

تمدن و مدنیت در عصر امام رضا (ع) در اوج و شکوفایی خود بود و در زمینه‌های فکری، ادبی، عمران و تشکیلات اداری و سیاسی درخشید. علت پیشرفت تمدن در عصر امام رضا (ع) بنا به دلایل بیشماری است. از جمله نیازمند بودن جامعه آن روز به علمی چون پزشکی، حضور فعال نخبگان علم دوست ایرانی در دربار عباسیان، فتح سرزمین‌های مختلف توسط مسلمانان و نیاز به أخذ مالیات و گرداندن حکومت که نیازمند فراگیری علمی بود که به این کارها نظم بخشید، اعتقاد زیاد خلفا به نجوم و طالع‌بینی؛ تا جایی که خلفاء در کارهای مهم اداری و سیاسی با آنان مشورت می‌کردند و اگر از عاقبت کاری اندیشناک بودند با منجمان مشورت می‌کردند.

نقش حضرت رضا (ع) در تکامل و توسعه این مؤلفه‌ها و شاخص‌ها

سفر علی بن موسی الرضا (ع) به خراسان بزرگ و پذیرش ولی‌عهدی او هرچند بر خلاف میل باطنی‌اش بود اما در این سفر تاریخی وقایع و رویدادهایی اتفاق افتاد که در تاریخ اسلام سرنوشت‌ساز بوده است. در حقیقت مهم‌ترین بازتاب‌های هجرت امام رضا (ع) در خراسان اتفاق افتاد؛ از این جهت حضور امام رضا در خراسان بزرگ سرشار از کرامت و لطف بوده است که موجب تحول مذهبی عظیمی در تاریخ ایران شد. حضور امام (ع) در خراسان موجب رشد و گسترش فرهنگ اهل بیت و تشیع شد. البته هرچند عده‌ای از مردم ایران تا قبل از حضور امام رضا (ع) شیعه بودند اما گرایش عموم مردم به تشیع، مدیون و مرهون حضور امام رضا (ع) در ایران است. از برکات وجودی حضور امام رضا در ایران که باعث تالاقی اسلام و مدنیت شد، می‌توان به گفتمان‌های حضرت با ادیان مختلف که باعث شکوفایی تمدن ایران شد، شاگردانی که تربیت کرده، کتاب‌هایی که خود امام رضا و دیگر دانشمندان اهل سنت و شیعه نوشته‌اند، ایجاد حوزه علمیه مشهد، آستان قدس رضوی، مرقد مطهر ایشان و مسجد گوهرشاد که امروزه مورد استقبال تمامی مسلمانان جهان واقع شده و برای زیارت از گوشه و کنار دنیا به این مکان مقدس می‌آیند، اشاره کرد که همه این‌ها در رشد و گسترش تشیع در ایران تأثیر به‌سزایی دارد.

گفتمان با مذاهب و مکاتب مختلف

علاقه‌مندی دستگاه خلافت عباسی به مناظرات و مباحث علمی موجب شد تا دانشمندان مذاهب گوناگون در محافل علمی شرکت کنند. یکی از وقایع مهم حضور امام رضا (ع) در خراسان مسئله مناظرات علمی آن حضرت با دانشمندان مذاهب گوناگون بود. مناظرات و مباحثات علمی امام رضا (ع) از چنان اهمیتی برخوردار بود که به او لقب «عالم آل محمد» را داده‌اند. در تاریخ اسلامی، عصر امام رضا (ع) را عصر طلایی نامیده‌اند و این نامگذاری به‌خاطر پیشرفت در عرصه عمران و کشاورزی و سلطه و سیطره دولت اسلامی بر بیشتر مناطق جهان بود. (قرشی، ۱۳۸۰، ج ۲: ۱۸۱) حضرت رضا (ع) با مذاهب گوناگونی مناظره داشته است ولی ۷ مناظره از همه آن‌ها مهم‌تر است که در ذیل به صورت مختصر به آن پرداخته می‌شود:

۱- مناظره با جاثلیق (عالم بزرگ مسیحی)

۲- مناظره با رأس الجالوت (پیشوای بزرگ یهودیان)

۳- مناظره با هزبر اکبر (پیشوای بزرگ زردشتیان)

۴- مناظره با عمران صابی

۵- مناظره با سلیمان مروزی

۶- مناظره با علی بن محمد جهم

نکات مهمی که از مناظرات امام به دست می‌آید این است که مناظرات امام علی بن موسی الرضا (ع) یک مسأله تاریخی و متعلق به گذشته نیست، بلکه از نظر پاسداری از حریم اسلام و خط مکتبی سرمشق پراهمیت بسیار جامعی برای امروز و هر زمان دیگر است. جالب این است که در آن روز وسایل ارتباط جمعی مثل امروز گسترده نبود ولی امام از جلسات مناظره درباره مأمون به عنوان یکی از مؤثرترین وسایل ارتباط جمعی آن روز بهره کافی گرفت. (مکارم شیرازی، ۱۳۸۸: ۹۵) یکی از مظاهر شخصیت علمی امام رضا (ع) که شگفتی اطرافیان و شاهدان را همراه داشت، آشنایی کامل حضرت به زبان‌های مختلف بود. همچنین امام علاوه بر اینکه برای پرسش‌های مختلف عالمان ادیان و مکاتب، پاسخی درخور داشت، بر مبنای اعتقادی شخص مخاطب سخن می‌گفت و استدلال می‌کرد و این مظهر دیگری از توانمندی علمی امام بود. امام با اهل تورات به تواتشان، با رهروان انجیل بر مبنای انجیل و با حاملان زبور به زبور و... (معینی، ۱۳۸۱: ۴۱ و ۴۲)

شاگردان تربیت شده توسط امام رضا (ع)

امام رضا (ع) با توجه به محدودیت‌ها و مشکلاتی که در زمینه فعالیت‌های علمی و مذهبی داشتند از هر فرصتی که برای آگاهی و تربیت رهروان خود استفاده می‌کردند. حضرت با حضور در مرو به شبهات و سوالات مردم پاسخ می‌داد. شاگردان و روایان امام نقش عظیمی در ارائه فرهنگ تشیع علوی و نشر آن در کشورهای گوناگون، از جمله ایران داشته‌اند. با ورود امام رضا (ع) به ایران در قرن سوم هجری، علما و شیفتگان ولایت به فراگیری فرهنگ علوی از آن امام پرداختند و پس از آن، در نقاط گوناگون ماوراءالنهر و ایران پراکنده شدند و به نشر معارف علوی پرداختند. حضور امام (ع) در خراسان، موجب سازندگی افراد در ابعاد گوناگون علمی، فرهنگی و هنری شد و دانشمندان بسیاری در این مکتب تربیت شدند. از شاگردان امام رضا می‌توان به ابراهیم بن اسحاق نهاوندی، ابراهیم بن ابی محمود الخراسانی، ابراهیم بن محمد موسی الخراسانی، ابراهیم بن عباس صولی، ابراهیم بن محمد الهمدانی، ابراهیم بن هاشم، ابن سکیت، احمد بن ابی عبدالله البرقی و ... اشاره کرد. (رهنمایی، ۱۳۷۰، ج ۹۵: ۷)

امام رضا (ع) در عرصه تربیت و پرورش شاگردان شایسته برای نشر معارف اسلامی گام‌های اساسی برداشته است و از رهگذر این جلساتی که تشکیل شد شاگردانی تربیت شدند که توانستند تشیع و اسلام ناب محمدی را به گوش جهانیان برسانند.

تألیفات امام رضا (ع)

خراسان در دوران اولیه اسلامی به چهار قسمت تقسیم شد و آن‌ها عبارت بودند از: نیشابور، مرو، هرات و بلخ. این چهار شهر بزرگترین و پر اهمیت‌ترین شهرهای خراسان بودند. نیشابور را نیز به‌خاطر اینکه بزرگترین شهر خراسان بود، ابرشهر نامیده‌اند. (اصطخری، بی‌تا، ج ۱: ۱۴۵) امام علی بن موسی الرضا (ع) برای رفتن به مرو که در آن زمان مرکز حکومت مأمون بود از ناحیه خراسان و از شهرهای مهم نیشابور و طوس و سرخس عبور کرد تا به مرو رسید. نیشابور اولین شهری بود که در منطقه خراسان در مسیر راه امام قرار داشت. (عرفان منش، ۱۳۸۲: ۱۲۴) تاریخ‌نگاران بر ورود امام به نیشابور اتفاق دارند. در حقیقت ورود امام به نیشابور را می‌توان پرشکوه‌ترین سفر امام قلمداد نمود. حضرت علی بن موسی الرضا (ع) در این سفر، کتاب‌هایی تألیف کرده است که در انتساب آن‌ها به امام قطع و یقین وجود ندارد. از جمله این تألیفات: حدیث سلسله الذهب، فقه رضوی، رساله ذهبیه، صحیفه الرضا و محض الاسلام است.

حدیث سلسله الذهب: هنگام ورود امام به نیشابور گروهی از دانشمندان و طلاب علم به محضر امام رسیدند و به خوبی از او استقبال کردند. امام در میان جمعیت عظیمی که برای استقبال از او آمده بودند، احادیثی از اجداد خود بیان کرد که به «حدیث سلسله الذهب» معروف است. این حدیث با اینکه کوتاه است اما ریزنگری‌های فراوانی در آن دیده می‌شود.

فقه رضوی: یکی از تألیفاتی که به امام هشتم منسوب است، کتاب «فقه الرضوی» است. این کتاب از باب «مواقیت الصلاة» آغاز و به باب «القضاء و المشیئة و الإرادة» ختم می‌شود که به صورت فتاوا آمده است. (نگاه کنید به: الفقه المنسوب للامام الرضا علیه السلام و المشتهر ب (فقه الرضا)، ۱۳۶۴) البته در صحت و سقم و انتساب آن به امام رضا (ع) میان دانشمندان اختلاف وجود دارد. به هر حال نسبت این کتاب به امام هشتم خالی از شبهه و تردید نیست و شاید ظن نزدیک به یقین این است که کتاب مذکور تألیف امام نیست. (فضل الله، ۱۳۸۵: ۱۹۴)

رساله ذهبیه: طب الرضا یا رساله ذهبیه کتابی است پزشکی از امام رضا (ع) که وجود مبارک امام رضا (ع) آن را نگاشته‌اند. این کتاب از دو جهت دارای اهمیت است؛ اول اینکه کتابی است علمی در زمینه پزشکی و دیگر اینکه چون از ناحیه امام معصوم صادر شده، از اشتباهات مرسوم و رایج در علوم تجربی مبری است. رساله ذهبیه مجموعه بیانات ارزشمند علمی و پزشکی امام است که در آن با شرح خواص اغذیه و اشربه، راهکارهای بهزیستی و بهداشت و سلامت را به انسان می‌آموزد و تکنیک‌های مقابله با بیماری‌ها و آسیب‌های روحی و روانی را مورد توجه قرار می‌دهد. این رساله به درخواست مأمون توسط امام تقریر و تحریر شده است. اهمیت و تأثیر اعجاب‌آور این اثر گوهریار به قدری بود که مأمون را بر آن داشت تا دستور دهد آن را با آب طلا بنویسند. (علی بن موسی (ع) (الف)، بی تا: ۳۷)

صحیفه الرضا: یکی دیگر از تألیفات امام هشتم، «صحیفه الرضا» است. کتاب صحیفه الرضا حاوی حدود ۲۲۰ حدیث پیرامون مسائل دینی، اخلاقی، تاریخی، فضیلت و شخصیت اهل بیت، ارزش علم، آداب زندگی و بیان فواید برخی از میوه‌ها و خوراکی‌ها است. نقل و تدوین این احادیث با همت تنی چند از محدثین بزرگوار انجام شده است. کتاب صحیفه الرضا از ذخایر ارزشمند نبوت، گنجینه‌های اهل بیت (ع) و میراث پیشوایان دینی (ع) است. کتابی که به سبب رفعت و عظمت اسنادش به مرتبه بزرگی و شرف و اوج و عزت رسیده است. (علی بن موسی (ع) (ب)، ۱۳۶۴: ۹ و ۱۴)

محض الأسلام: از دیگر کتاب‌هایی که به امام رضا (ع) منسوب است کتاب «محض الإسلام» و «شرایع الدین» است. «گفته شده است که مأمون از علی بن موسی الرضا (ع) درخواست کرد که کتاب محض الإسلام را به صورت کوتاه و خلاصه بنویسد و امام نیز آن کتاب را نوشت.» (ابن بابویه، ۱۳۷۸، ج ۲: ۱۲۱) البته درباره انتساب این کتاب نیز به امام رضا (ع) جای شبهه و تردید وجود دارد.

در حقیقت روح علمی در گفتار و کردار حضرت رضا (ع) نمایان است. از گفتار حضرت رضا (ع)، مباحثات با رهبران مذاهب، از سخنان آن حضرت درباره امور پزشکی، از آنچه حضرت درباره خدانشناسی فرموده، پیدایش زمین، تعبیر اشیا و مسائل علمی دیگر، از بحث آن حضرت درباره مسائل فقهی و همچنین تبیین آن حضرت از فلسفه احکام و مباحثات آن حضرت درباره اخلاق، گستردگی معلومات آن حضرت ثابت می‌گردد. (کنگره جهانی حضرت رضا علیه السلام، ۱۳۶۶: ۱۷۹) اثبات برتری علمی امام رضا (ع) نیاز به هیچ دلیل و برهانی ندارد بلکه با رجوع به کتاب‌های حدیثی می‌توان به مقام شامخ علمی آن حضرت پی برد. هرچند درباره انتساب بعضی از این کتاب‌ها به علی بن موسی الرضا (ع)، سرچشمه علم و معرفت، تردید وجود دارد اما از این تألیفات می‌توان فهمید که این تألیفات حامل افکار و نظریاتی هستند که امام در دیدار با کسانی که طالب علم و معرفت از سرچشمه زلال دانش آن حضرت بودند، به دست می‌آید و آنچه در اینجا مهم است مدلول و محتوای آن کتاب‌ها است؛ چرا که همه تألیفات از

برکات معنوی حضور امام رضا (ع) در خراسان است. در حقیقت حضور فعال و معنوی امام بود که باعث شد که این کتاب‌ها تألیف گردد و بشر امروز بتواند از آن‌ها در حل معضلات و مشکلات استفاده نماید.

قراءت و تفسیر

یکی از برکات حضور امام رضا (ع) در خراسان توسعه دانش قراءات است. در عصر امام رضا (ع) قاریان مشهوری بودند، از جمله این قاریان: أبو جعفر المدنی، نافع المدنی، طلحة بن مصرف، حمزة الزیات، حمید الأعرج، أبو عمرو بن العلاء، عیسی بن عمر، خلف بن هشام البزاز بودند. (ابن قتیبه، ۱۳۷۳، ج ۱: ۵۳۱-۵۲۸) همچنین مفسران برجسته‌ای تحویل جامعه داده شد که قرآن را تفسیر می‌کردند. از جمله کتاب‌های تفسیری کشف زمشخری، مجمع البیان طبرسی و جامع البیان طبری است.

فقه و حدیث

کتاب‌های مهم حدیثی شیعه:

اگر احادیث شیعه را یک مجموعه در نظر بگیریم هر امامی در این مجموعه نقش ویژه‌ای دارد. با اینکه احادیثی که به ما شیعیان رسیده غالباً از امام باقر (ع) و امام صادق (ع) است و فقه شیعه را فقه جعفری نامیده‌اند اما اعتقادات ما رضوی است و بیشتر احادیث اعتقادی ما از امام رضا (ع) روایت شده است. علت اینکه احادیث امام رضا اعتقادی است به‌خاطر این است که در دوران امامتشان، اصحاب رسانه در اختیار داشتند و این اصحاب سخنان امام را مکاتبه می‌کردند. بدین ترتیب بسیاری از احادیث امام رضا (ع) به جای مانده است و علمای شیعه آن را در کتب خود آورده‌اند که در اینجا به ذکر چند نمونه از مهم‌ترین کتب شیعه پرداخته می‌شود:

در میان تشیع چهار کتاب حدیثی از اهمیت و اعتبار زیادی برخوردار است که به آن‌ها، کتب اربعه گویند. این کتب عبارت‌اند از:

کافی: این کتاب از نخستین کتاب‌های حدیثی شیعه است که محمد بن یعقوب بن اسحاق مشهور به ثقة الاسلام کلینی است. مرحوم کلینی از بزرگان شیعه و مرجع مراجعات دینی مردم بوده است. کلینی در نوشتن این کتاب ۲۰ سال زحمت کشیده است. (قنبری، ۱۳۸۷، ج ۲: ۱۴) الکافی، کتابی است که هم وزن آن در اسلام نگاشته نشده است. (سبحانی، ۱۳۶۹، ج ۳۶: ۱۰) این کتاب مشتمل بر سه بخش است:

۱- اصول کافی: شامل روایات اعتقادی ۲- فروع کافی: حاوی روایات فقهی ۳- روضه کافی: شامل احادیث متفرقه

من لا یحضره الفقیه: این کتاب از تألیفات محمد بن علی ابن بابویه قمی، مشهور به شیخ صدوق است. این کتاب از صحیح‌ترین کتب حدیثی شیعه و متقن‌ترین آن‌ها پس از کافی است. شیخ صدوق در این کتاب روایات فقهی را که از دیدگاه خود صحیح و معتبر بوده جمع‌آوری نموده است. این کتاب یکی از ارزشمندترین منابع روایی شیعه به‌شمار می‌آید و یکی از چهار کتاب معتبر روایی شیعه است و هر مجتهدی در اجتهاد و استنباط احکام شرعی باید به روایات آن توجه داشته باشد. این کتاب از زمان نگارش مورد توجه و استقبال علمای شیعه قرار گرفته است. (به‌درون‌دی، ۱۳۹۵: ۱۴ و ۱۵)

الإستبصار و تهذیب الأحکام: این دو کتاب تألیف شیخ الطائفه ابو جعفر محمد بن حسن طوسی است که مشتمل بر روایات فقهی و احکام شرعی است و مورد قبول تمام علما و فقهای شیعه می‌باشد. بعد از شیخ طوسی تا حدود یک قرن، دیگر خبری از تدوین مجموعه‌های حدیثی نبود و حالت رکود و فترتی پیش آمده بود که یکی از دلایل آن را سیطره و تسلط علمی شیخ طوسی در بسیاری از علوم، بخصوص فقه و حدیث بر شمرده‌اند. مقبولیت مطلق وی در جهان شیعه نزد علما و محدثان و عموم مردم، چنان بالا گرفت که دو اثر ارزنده وی را از ارکان چهارگانه یا کتب اربعه شیعه امامیه دانستند و او را «شیخ الطائفه» لقب دادند و دیگر

عالمان شیعی را یارای مقابله با افکار و نظریات شیخ نماند و تا سال‌ها هرچه تألیف می‌گردید، بیشتر تقلید و اقتباس از آرای او بود. (وفایی، ۱۳۹۰، ج ۱: ۲۱)

علاوه بر کتب اربعه کتاب‌های حدیثی شیعی دیگری نیز وجود دارد که از اعتبار زیادی برخوردارند، از جمله:

بحار الأنوار: بزرگ‌ترین منبع حدیثی شیعه بحار الأنوار است که توسط علامه مجلسی نوشته شده است. این کتاب که ۱۱۰ جلد دارد بیشتر به موضوعات غیر فقهی پرداخته است و در آن احادیث ائمه معصوم آمده است.

وسائل الشیعه: تفصیل وسائل الشیعه فی تحصیل مسائل الشریعه اثر شیخ محمد حسن حرّ عاملی است که از بهترین کتب حدیثی شیعه به شمار می‌رود. این کتاب مشتمل بر ۳۶ هزار روایت درباره احکام شرعی، واجبات، محرمات، مستحبات و آداب است و در آن روایات ائمه معصوم آمده است. (ویکی پدیا (ج)، ۱۳۹۷)

کتاب‌های مهم حدیثی اهل سنت:

علمای اهل سنت به جایگاه والای امام رضا (ع) اعتراف دارند و برای وی احترام زیادی قائل‌اند. از نظر اهل سنت جایگاه علمی و حدیثی امام رضا (ع) از چنان اهمیتی برخوردار است که آن را در کتب صحاح سته بیان کرده‌اند. برخورد بزرگان اهل سنت مانند ابن حبان بستی، ابوبکر بن خزیمه و عدیله بن ابی علی ثقفی با امام رضا (ع) جالب و قابل توجه است. این علما از جایگاه ویژه‌ای برخوردار هستند. چنان که مثلاً ابن حبان بستی را امام، علامه، حافظ، شیخ خراسان، حافظ نامیده‌اند. (ذهبی، ۱۳۷۶، ج ۱۶: ۹۲) جمعی از محدثین اهل سنت کتاب‌هایی درباره ائمه و احادیث و فضایل آن‌ها نوشته‌اند. کتاب «الموطأ» مالک بن انس نخستین کتاب فقهی بود. (مکی، ۱۳۸۳: ۲۱۳) از میان این کتاب‌ها ۶ مورد معروف‌تر از بقیه است که این شش مجموعه به صحاح سته معروف شده است. این کتاب در نزد اهل سنت معروف‌ترین کتب حدیثی است و علت نامگذاری به‌خاطر این است که اهل سنت تمامی احادیثی را که در این کتاب‌ها آمده، صحیح می‌دانند. صحاح سته عبارت‌اند از:

۱- صحیح بخاری: صحیح بخاری نوشته محمد بن اسماعیل بخاری، متوفای ۲۵۶ هجری است. (مفید(ب)، ۱۳۷۲، ج ۱: ۱۴) این کتاب بزرگ‌ترین و کامل‌ترین کتاب حدیثی در نزد عامه است و شروح زیادی درباره آن وجود دارد.

۲- صحیح مسلم: این کتاب نوشته ابوالحسین مسلم بن حجاج بن مسلم بن ورد قشیری نیشابوری است که در سال ۲۶۰ در نیشابور وفات کرده و بر این کتاب نیز شروح بسیار است.

۳- سنن ابوداود: نویسنده این کتاب سلیمان بن اشعث دشتستانی است که در سال ۲۷۵ هجری در بصره وفات کرده است. این کتاب نیز شروح و تلخیص و حواشی زیاد بر آن نوشته شده است.

۴- جامع ترمذی: کتاب جامع ترمذی از ابو عیسی محمد بن عیسی ترمذی است که در سال ۲۷۹ وفات کرده است. بر این کتاب نیز شروح زیادی نوشتند.

۵- سنن نسائی: سنن نسائی اثر ابوعبدالرحمن احمد بن شعیب نسائی است که در مکه مکرمه در سال ۳۰۳ وفات کرده است.

۶- سنن ابن ماجه: این کتاب نوشته ابو عبدالله محمد بن یزید بن ماجه قزوینی است که در سال ۲۷۳ وفات کرده است. (صالحی، ۱۳۶۲، ج ۱: ۴)

صحاح ششگانه در نظر محدثان به یک مرحله از صحت و اعتبار نیست و صحیح بخاری و مسلم که عنوان «شیخین» دارند و آن‌ها را «صحیحین» مطلق گویند به اعتبار در صف اولند و به پندار اهل جماعت هر چه بخاری و مسلم آورده‌اند، قطعاً صحیح است و علم قطعی به صحت آن حاصل است. (پابنده، ۱۳۸۲: ۱۰۷ و ۱۰۸)

کتاب‌هایی که در بالا ذکر شد جزء مهم‌ترین منابع فقهی-حدیثی شیعه و اهل سنت است که امروزه مورد استفاده محدثین و علما قرار گرفته است. در حقیقت روایت و حدیث یکی از مهم‌ترین ارکان احکام اسلامی به شمار می‌رود که جایگاه ویژه‌ای در انتقال ارزش‌های دینی دارد. هرچند این کتاب‌های حدیثی بعد از شهادت امام رضا (ع) نگاشته شد اما همه این آثار به‌خاطر برکت حضور امام رضا (ع) در خراسان است. حضرت رضا (ع) در هر مجلس و مکانی که حضور پیدا می‌کردند برای مردم سخنرانی می‌کردند و از اجداد خود احادیثی بیان می‌کردند. در این میان علما و کسانی که بهره‌ای از علم برده بودند سخنان و احادیث حضرت رضا (ع) را می‌نوشتند؛ اما این احادیث پراکنده بود و به صورت یکجا و کامل در دسترس نبود تا اینکه چندین سال بعد کتاب‌های حدیثی به همت علمای شیعه و اهل سنت جمع‌آوری و نگاشته شد، کتبی که در آن احادیث ائمه به‌طور جامع و کامل وجود دارد. در این میان اصول اربعمائه شیعه، بحار الأنوار، وسائل الشیعه و صحاح سته اهل سنت از مهم‌ترین کتاب‌های حدیثی به شمار می‌رود. در این کتاب‌ها احادیث تمامی ائمه معصوم بالأخص حضرت رضا (ع) وجود دارد. در واقع اگر حضور امام رضا (ع) در خراسان نبود شاید هیچ کتاب حدیثی از امام رضا و پدر بزرگوارشان نمی‌داشتیم.

همچنین حضور امام رضا (ع) در خراسان پیامدهایی داشته که امروزه در جامعه ما تجلی یافته است. از جمله این برکات:

آستان قدس رضوی

یکی از برکات حضور امام رضا (ع) در ایران، آستان قدس رضوی است. تولیت آستان قدس از آغاز دوران صفوی و رسمی شدن مذهب تشیع در ایران اهمیت یافت و توسط پادشاه وقت تعیین می‌گردید. مشهور است که مأمون عباسی پیش از کشته شدن علی بن موسی الرضا قبه‌ای بر فراز قبر هارون الرشید ساخته بود که علی بن موسی الرضا نیز در زیر همان قبه به خاک سپرده شد. اکنون نیز ۲ متر از دیوار حرم که بنای آن منسوب به مأمون است و بقیه بنا روی همان دیوار قرار دارد. پس از آن تا روزگار دیلمیان، نشانه‌ای حاکی از تجدید بنا یا مرمت حرم در دست نیست، ولی مسلم است که زیارت حرم در میان شیعیان رواج داشته‌است. (ویکی پدیا (ب)، ۱۳۹۷)

موزه و کتابخانه آستان قدس رضوی و مدارس

از دیگر برکات امام رضا (ع) ایجاد موزه، کتابخانه و مدارس است. بخش مهمی از فعالیت‌های فرهنگی آستان قدس در حوزه موزه و کتاب جای می‌گیرد. موزه و کتابخانه آستان قدس رضوی از مهم‌ترین و باارزش‌ترین گنجینه‌های ایران به‌شمار می‌روند که در بارگاه ملکوتی حضرت رضا (ع) قرار دارند. با گذشت زمان در حرم مطهر، محلی برای نسخه‌های قدیمی در نظر گرفته شد و اینگونه اساس کتابخانه آستان قدس رضوی بنا شد.

کهن‌ترین اطلاع درباره وجود نهاد مدرسه در مشهد مربوط به اوایل قرن هشتم است، زمانی که ابن بطوطه در دیدار خویش از مشهد، ضمن توصیف ساختمان بقعه امام رضا، از وجود مدرسه‌ای در مجاورت آن خبر داد. در مشهد و اطراف حرم مطهر تعدادی مدارس قدیمی وجود داشته که بعضی از آن مدارس هم‌اکنون نیز وجود دارد، از جمله آن مدارس قدیمی می‌توان به مدرسه پریزاد، مدرسه بالاسر، مدرسه مستشار، مدرسه نواب، مدرسه دو در، مدرسه میرزا جعفر، مدرسه عباسقلی خان و ... اشاره کرد. مهم‌ترین

مدرسه عالی مشهد که اینک دروس سطح عالی و خارج در آن عرضه می‌شود مدرسه آیت الله خوئی است که در واقع یک مجتمع بزرگ آموزش علوم اسلامی است. (دانشنامه جهان اسلام، ۱۳۷۳، ج ۱: ۶۶۴۳)

حوزه علمیه مشهد

امام رضا (ع) در خراسان اقدام به تشکیل حوزه‌های علمیه کرد و در مسجد مرو و در منزل خود حوزه‌های علمیه تشکیل داد که باعث شیفتگی مردم به وی شد اما کمی بعد، مأمون مردم را از مجلس حضرت طرد و بیرون کرد. امام نیز او را نفرین کرد. (ابن بابویه، ۱۳۷۸، ج ۲: ۱۷۲) رفته رفته حوزه‌های علمیه سرتاسر ایران ایجاد شد که حوزه علمیه مشهد، امروزه یکی از معتبرترین حوزه‌های علمی شیعه است. حوزه علمیه مشهد خاص این شهر نیست، بلکه به خراسان بزرگ اختصاص دارد؛ چرا که این دوره عصر حضور امام رضا (علیه‌السلام) را در بر می‌گیرد و امام تنها در یک شهر ساکن نبودند، بلکه از مدینه تا خراسان در طی عبور از شهرهای مختلف به نشر معارف علوی اهتمام داشتند. این حوزه علمی سیار در حالی به ایفای نقش پرداخته که امام از سوی رژیم غاصب عباسی، در محاصره کامل قرار داشت و راه‌هایی انتخاب شد که امام از دسترس شیعیان دور باشد. ورود امام رضا (ع) به مرو هم‌زمان با توطئه دیگری بود که مأمون برای از میان بردن فرهنگ شیعی در خصوص «علم لدنی» امام پی افکنده بود. بعد از شهادت امام رضا (ع) در سناباد، شیعه این مکان را مرکز علمی خویش قرار داد. (سید کباری، ۱۳۸۷: ۱ و ۴) این دوره از قرن سوم تا نهم هجری هجری را شامل می‌شود که در آن بزرگانی چون شیخ طبرسی، شیخ طوسی، شیخ منتخب الدین، جرجانی و بیهقی زندگی می‌کردند. (آقا بزرگ تهرانی، ۱۳۷۲، ج ۲: ۲۱۶ و ۲۱۷)

قدمگاه نیشابور

قدمگاه، عنوان عمومی برخی مکان‌های زیارتی در جهان اسلام، که در آن‌ها جای پای انبیا و اولیا و مقدّسان بر سنگ، مورد احترام و تکریم قرار می‌گیرد. معروف‌ترین قدمگاه در ایران، قدمگاه نیشابور است. قدمگاه نیشابور در ۲۴ کیلومتری مشرق نیشابور کنونی است که هرچند به دستور شاه عباس اول بر بقایای بنایی دیگر ساخته شده، به باور عمومی، نقش کف پاهای انسان بر سنگی سیاه که در دیوار داخل این بنا نصب شده، جای پاهای امام رضا (ع) است که امروزه مردم از آن قدمگاه تبرک می‌جویند و در آن نماز و قرآن و دعا می‌خوانند. (دانشنامه جهان اسلام، ۱۳۷۳، ج ۱: ۷۱۹۵)

حرم مطهر امام رضا و مسجد گوهرشاد

حرم مطهر رضوی که در شهر مشهد قرار دارد تاریخی طولانی دارد و در طول سالیان دراز، بارها مورد تخریب و تعمیر قرار گرفته است. این بارگاه برای شیعیان منظره‌ای از بهشت برین را عرضه می‌کند و کانون احترام و مرکز ستایش و نیایش است که وسعت و عظمت و شکوه این مکان شریف موجب علاقه بسیار زائرین شده است. (صبوری، ۱۳۹۳: ۶)

مسجد گوهرشاد، یکی از باشکوه‌ترین و زیباترین مساجد ایران است که بین سالهای ۸۰۷ تا ۸۲۱ ق به دستور گوهرشاد همسر شاهرخ تیموری ساخته شده است. (زنگنه، ۱۳۷۶: ۱۸۵) مسجد گوهرشاد نیز بر اثر عوامل طبیعی و انسانی بارها مورد تخریب قرار گرفته و مجدداً تعمیر شده است.

ایجاد حوزه علمیه مشهد، آستان قدس رضوی، موزه و کتابخانه آستان قدس رضوی، مدارس، مرقد مطهر امام رضا (ع) و مسجد گوهرشاد از برکات حضور امام رضا (ع) در خراسان است که علاقه‌مندان و شیفتگان امام به‌خاطر ارادشان به حضرت علی بن موسی الرضا (ع) این بناها را سال‌ها بعد از شهادت امام رضا (ع) احداث کردند تا یاد آن بزرگوار همیشه در دل‌ها زنده بماند.

نتیجه‌گیری

سفر تاریخی امام رضا (ع) به خراسان برکاتی داشته است که نمی‌توان از آن چشم پوشید. امام رضا (ع) در ایران از شهرهایی چون نیشابور، رباط سعد، سرخس و مرو عبور کردند و از همان بدو ورود به خراسان سعی کردند از این فرصتی که ایجاد شده در جهت ترویج اسلام استفاده کنند. مأمون به‌خاطر علاقه به علم و دانش، جلسات مناظره تشکیل داد و برای به چالش کشیدن امام از وی خواست که در این محافل شرکت کند و با ادیان و مذاهب مختلف مناظره کند. امام با تسلطی که بر نصوص و منابع ادیان مختلف داشت با آنان مناظره کرد. این گفت‌وگوها تمدنی منجر به پذیرش و اعتراف بزرگان ادیان به مقام والای حضرت رضا (ع) شد و تمامی سیاست و نقشه‌های پلید مأمون که تحقیر امام بود با شکست روبه‌رو شد. در واقع این گفت‌وگوها تمدنی یکی از مهم‌ترین برکات معنوی حضور امام رضا در خراسان بزرگ است. همچنین امام در خراسان شاگردانی تربیت کردند که تا آخرین لحظات عمر امام رضا (ع) همراه وی بودند و از علم و دانش او بهره بردند و توانستند خدمات ارزنده‌ای برای جامعه بشری داشته باشند. از دیگر برکات امام در خراسان، تألیف کتاب‌هایی از امام رضا (ع) و علمای شیعه و سنی درباره فقه، تفسیر قرآن، احادیث و فضایل ائمه، ایجاد آستان قدس رضوی، ایجاد حوزه علمیه مشهد، قدمگاه نیشابور، ایجاد موزه، کتابخانه و مدارس، مرقد مطهر ایشان و مسجد گوهرشاد از برکات وجودی حضرت رضا (ع) در خراسان بزرگ است. در حقیقت برکت وجودی امام رضا (ع) در خراسان بزرگ بود که توانست پشتوانه ارزشی مهمی برای تمدن و فرهنگ ایران بسازد. پس نتیجه می‌گیریم که مدنیت ایران و بالأخص خراسان بزرگ مدیون خدمات گرانقدر امام هشتم، علی بن موسی الرضا (ع) بوده است. برکات حضور امام رضا (ع) در ایران باعث شد که سنگ بنای فرهنگ شیعی گذاشته شود و این برکات تا قیامت ادامه خواهد داشت و خراسان به برکت حضور امام رضا (ع) منطقه‌ای برای رشد ولایت، جایگاه امامت و بستر سازی برای ظهور امام زمان (عج) شد.

منابع و مأخذ

۱. آقا بزرگ طهرانی، محمد حسن (۱۳۷۲)، **طبقات اعلام الشيعة**، قم: انتشارات اسماعیلیان.
۲. ابن بابویه، محمد بن علی (۱۳۷۸)، **عیون أخبار الرضا علیه السلام**، تهران: انتشارات جهان.
۳. ابن قتیبه، عبدالله بن مسلم (۱۳۷۳)، **المعارف**، قم: الشریف الرضی.
۴. ابن منظور، محمد بن مکرم (۱۴۱۴)، **لسان العرب**، ج ۳، بیروت: دارصادر.
۵. اصطخری، ابراهیم بن محمد (بی تا)، **المسالك والممالک**، بیروت: دار صادر.
۶. اکبری، امیر (۱۳۸۹)، «**قلمرو حکومت طاهریان و اهمیت شهرهای اربعه خراسان**»، پژوهشنامه تاریخ، ش ۱۹، ص ۴۸-۱۹.
۷. اکبری، امیر (۱۳۹۵)، **عوامل سیاسی حضور امام رضا (ع) در خراسان**، ج ۲، مشهد: انتشارات پیشگامان خرد مینو.
۸. بهداروندی، هادی (۱۳۹۵)، **بررسی سندی و دلالتی روایات تفسیری امام هفتم (ع) و امام هشتم (ع) در کتب اربعه (پایان نامه کارشناسی ارشد)**، دانشگاه اصول الدین، دزفول.
۹. پاینده، ابوالقاسم (۱۳۸۲)، **نهیج الفصاحه**، تهران: دنیای دانش.
۱۰. جعفرآقایی، محمدرضا (۱۳۹۰)، «**ویژگی های بنیادین شکوفایی تمدن اسلامی، تلفیقی بودن و وحدت فرهنگی**»، راهبرد فرهنگ، ش ۱۴ و ۱۵، ص ۱۰۰-۱۱۳.
۱۱. خامنه‌ای، سید علی، رهبر انقلاب اسلامی (۱۳۹۱)، **انسان ۲۵۰ ساله**، ج ۱۲، تهران: موسسه جهادی مرکز صهبای.
۱۲. **دانشنامه جهان اسلام**، (۱۳۷۳)، تهران: موسسه دائرة المعارف الفقه الاسلامی.
۱۳. دورانت، ویلیام جیمز (۱۳۳۷)، **تاریخ تمدن**، ترجمه احمد آرام، تهران: انتشارات اقبال.
۱۴. ذهبی، محمد بن احمد (۱۳۷۶)، **سیر اعلام النبلاء و بهامشه احکام الرجال من میزان الاعتدال فی نقد الرجال**، بیروت: دارالفکر.
۱۵. رحمانی، امیر، قربانخوانی، محسن (۱۳۹۱)، «**بررسی تاریخ و تمدن شهرهای خراسان بزرگ (نمونه موردی: سمرقند، هرات، بلخ و مرو)**»، فصلنامه علمی-پژوهشی پژوهشنامه خراسان بزرگ، ش ۹، ص ۱۸-۹.
۱۶. رهنمایی، سید احمد (۱۳۷۰)، **نشریه معرفت**، ش ۹۵، قم: مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی (ره).
۱۷. زنگنه، ابراهیم (۱۳۷۶)، «**حرم مطهر رضوی و رویدادهای مهم آن**»، فصلنامه شکوه، ش ۵۶ و ۵۷، ص ۱۶۵-۱۸۷.
۱۸. زیدان، جرجی (۱۹۹۷)، **تاریخ التمدن الإسلامی**، بیروت: مکتبه الحیاء.
۱۹. سازندگی، محمد تقی (۱۳۹۴)، **مواضع امام رضا علیه السلام نسبت به وضعیت فرهنگی و تمدنی در دوره اول عباسی (پایان نامه کارشناسی ارشد)**، دانشگاه معارف اسلامی، ایران.
۲۰. سبحانی، محمد تقی (۱۳۶۹)، **آیین پژوهش**، قم: دفتر تبلیغات اسلامی حوزه علمیه قم.
۲۱. سید کباری، علیرضا (۱۳۸۷)، **تاریخ حوزه علمیه مشهد**، قم: مؤسسه فرهنگی و اطلاع‌رسانی تبیان.
۲۲. شفیعی سروستانی، اسماعیل (۱۳۸۷)، **تفکر فرهنگ و ادب، تمدن**، تهران: انتشارات پیام.
۲۳. صالحی، سیدعباس (۱۳۶۲)، **نشریه حوزه**، ش ۱، قم: دفتر تبلیغات اسلامی حوزه علمیه قم.
۲۴. صیوری، محمد علی (۱۳۹۳)، **حرم مطهر امام رضا در مشهد**، قم: مؤسسه فرهنگی و اطلاع‌رسانی تبیان.
۲۵. عرفان منش، جلیل (۱۳۸۲)، **جغرافیای تاریخی هجرت امام رضا علیه السلام از مدینه تا مرو**، ج ۳، مشهد: بنیاد پژوهش‌های اسلامی آستان قدس رضوی.
۲۶. علی بن موسی (ع) (الف)، امام هشتم (بی تا)، **طب الرضا**، مشهد: انتشارات آستان قدس رضوی.

۲۷. علی بن موسی (ع) (ب)، امام هشتم (۱۳۶۴)، **صحیفه الرضا**، ترجمه علاء الدین حجازی، مشهد: انتشارات ندای اسلام.
۲۸. علی بن موسی (ع)، امام هشتم (۱۳۶۴)، **الفقه المنسوب للامام الرضا علیه السلام و المشتهر ب (فقه الرضا)**، مشهد: المؤتمر العالمی للامام الرضا علیه السلام.
۲۹. عمید، حسن (۱۳۷۶)، **فرهنگ عمید**، ج ۱۱، تهران: انتشارات کبیر.
۳۰. فروغ، عمر (۱۳۷۶)، **تاریخ الادب العربی**، بیروت: دارالعلم للملایین.
۳۱. فضل الله، محمدجواد (۱۳۸۵)، **تحلیلی از زندگانی امام رضا علیه السلام**، ترجمه سید محمدصادق عارف، ج ۱۲، مشهد: بنیاد پژوهش‌های اسلامی آستان قدس رضوی.
۳۲. قانع، احمد علی (۱۳۷۱)، **علل انحطاط تمدن‌ها از دیدگاه قرآن**، ج ۱، تهران: انتشارات باور عدالت.
۳۳. قرشی، باقرشریف (۱۳۸۰)، **حیاه الامام علی بن موسی الرضا علیه السلام در اسسه و تحلیل**، قم: سعیدین جبیر.
۳۴. قهی کرمی، محمدتقی (۱۳۸۶)، **جستاری در باب تمدن**، قم: پژوهشگاه علوم و فرهنگ اسلامی.
۳۵. کنگره جهانی حضرت رضا علیه السلام (۱۳۶۶)، **مجموعه آثار دومین کنگره جهانی حضرت رضا علیه السلام**، مشهد: انتشارات آستان قدس رضوی.
۳۶. معینی، محمدجواد، ترابی، احمد (۱۳۸۱)، **امام علی بن موسی الرضا علیه السلام منادی توحید و امامت**، ج ۵، مشهد: بنیاد پژوهش‌های اسلامی آستان قدس رضوی.
۳۷. مفید (ب)، محمد بن محمد (۱۳۷۲)، **المسائل العکبریة الکافئه**، العویص. قسم من رساله المتعه، بیروت: دارالمفید.
۳۸. مکارم شیرازی، ناصر (۱۳۸۸)، **مناظرات تاریخی امام رضا علیه السلام با پیروان مذاهب و مکاتب دیگر**، ج ۲، مشهد: بنیاد پژوهش‌های اسلامی آستان قدس رضوی.
۳۹. مکی، محمدکاظم (۱۳۸۳)، **تمدن اسلامی در عصر عباسیان**، ترجمه محمد سپهری، ج ۱، تهران: انتشارات سمت.
۴۰. ویکی پدیا (الف) (۱۳۹۷)، **استان خراسان رضوی**، قابل دسترسی در آدرس: <https://fa.wikipedia.org/wiki/>.
۴۱. ویکی پدیا (ب) (۱۳۹۷)، **آستان قدس رضوی**، قابل دسترسی در آدرس: <https://fa.wikipedia.org/wiki/>.
۴۲. ویکی پدیا (ج) (۱۳۹۷)، **وسائل الشیعه**، قابل دسترسی در آدرس: fa.wikipedia.org/wiki/.
۴۳. ویکی شیعه (۱۳۹۷)، **مرو**، قابل دسترسی در آدرس: <http://fa.wikishia.net/>.
۴۴. هانت‌ینگتون، ساموئل پی (۱۳۷۵)، **نظریه برخورد تمدن‌ها هانت‌ینگتون و منتقدانش**، ترجمه مجتبی امری وحید، ج ۲، تهران: انتشارات وزارت امور خارجه.
۴۵. یاقوت حموی، یاقوت بن عبدالله (بی‌تا)، **معجم البلدان**، بیروت: دار احیاء التراث العربی.